ارادہ اعم از واجب و مستحب در تعبیر «ما فی الذمہ» در کلام سید

علای حال ایشان می‌گوینـد «ظاہر المتن». حال من از متن نکته‌ای را عرض می‌کنم تا برگردیم و ببینیم. مرحوم سید در فرض سوم دو تا «ان» داشتند. «ان کان و ان کان». در فرض چهارم دارند «بنیۃ القربۃ المطلقۃ»، در آن «ان» ندارند. «بقصد ما فی الذمہ»؛ آن چه در ذمہ او است. خب اگر به عروه چندحاشیه‌ای مراجعه کرده باشید، عده‌ای گفته‌اند خب باید یک واجبی در ذمہ او باشد، و الا اگر نباشد در روزه مستحبی قصد ما فی الذمہ معنا ندارد.

خب آیا منظور مرحوم سید این بوده که واجبی بر ذمہ او باشد؟ معلوم نیست. چرا؟ چون در فرض سوم اصلاً ریخت عبارت، اینطور است: «**ان کان من شعبان کان ندبا و قضاء**»؛ یعنی هم ندب را می‌آورند و هم وجوب را. در اینجا می‌گوینـد «**بقصد ما فی الذمہ**»؛ یعنی ندبا را قبلاً گفته‌اند؛ نمی‌شود که ندب منظور ایشان نباشد. بنابراین یکی از مواضع خوب متن عروه که باید یادداشت کرد همینجا است. به گمانم اصطلاح رایجی است که سید توسعه داده‌اند و توسعه خوبی است. توسعه‌ی پر فایده‌ای است و باید قدر آن را دانست و یادداشت کرد. اگر کسی به شما گفت که از کجا می‌گویید، بگویید از متن عروه. سید کلمه ما فی الذمہ را در اعم از وجوب و ندب به کار برده‌اند. و لذا عده‌ای که تعلیقه زده‌اند که اگر واجبی در ذمہ او هست، بر آن قصدی که سید دارند و توسعه‌ای که ایشان می‌دهند ظاهراً تفاوتی نمی‌کند. ذمہ یعنی چه؟ یعنی ذمہ، یعنی عهده. خب مستحبات که در عهده ما نیست. یعنی چه که بگویند آن چه که در ذمہ من است؟! اینکه روزه مستحبی شعبان است یا روزه واجب ماه مبارک. من که عهده و ذمه‌ای ندارم.

> 6:32

خب به این معنا که ذمہ را عهده و ذمہ تکلیفی وجوبی بگیریم درست است. تعلیقات هم آمده است. اما چه مانعی دارد که وقتی ذمہ را به‌معنای عهده می‌گیریم هر نوع تکلیفی را متناسب آن تکلیف بر عهده خودمان قرار بدهیم؟! مستحب هم استحبابا بر عهده ما است. چرا وقتی واژه ذمه‌ی به این خوبی را داریم و قابل توسعه هم هست، در یک کاربرد ضیقی آن را قرار بدهیم و نتوانیم در موارد دیگری از آن استفاده کنیم؟!

بازبینی #1
ایجاد شده 21 مه 2026 12:57:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 مه 2026 12:58:09 توسط ... .